

تبیین تنوع سبک های زندگی ایرانی بر اساس نظریه عاملیت - ساختار

مجید کافی^۱

چکیده

خاستگاه تنوع سبک زندگی در هر جامعه، مجموعه ای از عوامل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است. در جوامعی که از تنوع فرهنگی و اجتماعی برخوردارند، نمی توان از وجود یک سبک زندگی واحد سخن گفت. در ایران، به دلیل تلاقی فرهنگ های گوناگون، تحولات گسترده جهان معاصر و ورود رویکردها، گرایش ها و کالاهای فرهنگی جدید و نیز امروزه با حضور رسانه های نوین، فناوری های اطلاعات و ارتباطات و شبکه های اجتماعی مجازی، طیف متنوعی از سبک های زندگی شکل گرفته است. بر این اساس، پرسش اصلی آن است که تنوع سبک های زندگی اسلامی- ایرانی در دوره معاصر، بر پایه چه عوامل و دلایلی قابل تبیین است؟ روش این پژوهش، استنتاج و به بیان دیگر، فرایندی پرسش محور است که از طریق گام های متوالی، میان آثار اجتماعی و دینی و موضوع پژوهش ارتباط برقرار می کند. استنتاج اشاره به چیزی دارد که نتیجه گیری می شود و به معنایی که به صراحت بیان نشده است، ولی می توان آن را استنباط کرد. بر اساس پیوند عاملیت و ساختار، می توان نتیجه گرفت که دو عامل در این خصوص تأثیرگذارند: نخست، تلاقی فرهنگ های گوناگون در جامعه ایران اسلامی؛ و دوم، سیطره یکی از شرایط زمینه ای در یک دوره تاریخی یا در میان یک گروه یا شبکه اجتماعی؛ از شخصیت عاملان و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی گرفته تا مهم تر از همه، ساختارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه های اجتماعی مجازی.

واژگان کلیدی: سبک زندگی ایرانی، عاملیت - ساختار، روش استنتاج، فناوری ارتباطات، شبکه های اجتماعی مجازی

Doi: 10.22034/jl.2026.512918.1746

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشیار گروه جامعه شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مقدمه

سالیانی است که اصطلاح «سبک زندگی اسلامی-ایرانی» در ادبیات و فرهنگ فارسی رواج یافته است؛ بااین حال، درباره چرایی و خاستگاه تنوع این سبک های زندگی، پژوهش مستقلی در محافل علمی، اعم از دانشگاه و حوزه، انجام نشده است. خاستگاه تنوع سبک زندگی در هر جامعه را باید در مؤلفه های مختلف تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن جست وجو کرد. ازاین رو، در جامعه ای که از تنوع اجتماعی و فرهنگی برخوردار است، نمی توان از سبک زندگی واحد سخن گفت. در ایران، به دلیل تلاقی فرهنگ های گوناگون، تحولات گسترده جهان معاصر، ورود رویکردها، گرایش ها و کالاهای فرهنگی جدید و نیز امروزه با حضور رسانه های نوین، فناوری های اطلاعات و ارتباطات و شبکه های اجتماعی مجازی، طیفی متنوع از سبک های زندگی شکل گرفته است. ازاین رو، به ندرت می توان جامعه ای، به ویژه یک جامعه دینی را یافت که تنها با یک سبک زندگی مواجه باشد. جامعه ایران اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا افزون بر تأثیرپذیری از تحولات فرهنگی دنیای جدید، هم از مفهوم اسلام، با گستره ای وسیع از معانی و هم از ایران، با تنوع گسترده فرهنگی و قومی، تأثیر می پذیرد.

این تنوع و تعدد، در فهم و تحقق آموزه های اسلامی نیز قابل مشاهده است. بی تردید، هر دینی، ازجمله اسلام، آموزه هایی را برای سبک زندگی پیروان خود ارائه می کند؛ اما این آموزه ها در میان کنشگرانی که در شرایط زمینه ای، فرهنگی و قومی متفاوت زندگی می کنند، چگونه متبلور می شود؟ این امر مشهود است که سبک زندگی اسلامی، به دلیل تبلور در شرایط زمینه ای گوناگون جوامع اسلامی، صورت های متنوعی به خود می گیرد؛ بنابراین، به جای سخن از «سبک زندگی اسلامی»، می توان از «سبک های زندگی اسلامی» سخن گفت. بر همین اساس، دشوار است بتوان پذیرفت که در جامعه ایران معاصر با یک سبک زندگی مواجه باشیم.

حال این پرسش مطرح می شود که تنوع سبک های زندگی اسلامی-ایرانی در دوره معاصر با چه دلایلی قابل تبیین است؟ این جستار می کوشد با تکیه بر مؤلفه های فرهنگ و رسانه و بر پایه نظریه عاملیت و ساختار، تنوع سبک زندگی اسلامی-ایرانی در دوره معاصر را تبیین کند. شایان ذکر است که فرهنگ ایران معاصر آمیزه ای از سه حوزه فرهنگی، یعنی فرهنگ ایران باستان، آموزه های اسلامی و فرهنگ غربی، است. امروزه، هر ایرانی در زندگی خود، هم از فرهنگ باستانی بهره مند است، هم از فرهنگ اسلامی و هم از فرهنگ غربی که در ظهور و بروز فرهنگ اسلامی و باستانی تأثیرگذار بوده است بر این اساس، فرض های این مقاله عبارت اند از:

۱. در هر جامعه، سبک‌های زندگی متعدد و متنوعی وجود دارد و نمی‌توان از سبک زندگی واحد سخن گفت.

۲. در دوره‌هایی که ابزار رسانه‌ای برای گسترش محصولات فرهنگی وجود نداشت یا نقش آن‌ها ضعیف بود، عاملیت در انتخاب سبک زندگی مسلط بود؛ اما در چند دهه گذشته، با پرنگ‌تر شدن نقش رسانه در گسترش محصولات فرهنگی، ساختارها در تحولات سبک زندگی مسلط شده‌اند.

۱) روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، فرایندی پرسشگرانه و متشکل از گام‌های متوالی است که با برقراری ارتباط میان آثار و منابع اجتماعی و دینی و موضوع مقاله، زمینه را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش فراهم می‌کند. بر این اساس، با تحلیل و بررسی این منابع می‌توان پاسخ‌های صحیح و مناسب را برای تبیین سبک‌های زندگی ایرانیان از درون منابع اجتماعی و دینی استخراج کرد؛ به عبارت دیگر محقق با برقراری رابطه بین آثار اجتماعی و دینی، به عنوان منابع پاسخگو و بین موضوع مقاله، رهنمودهایی را برای تبیین و تدقیق تنوع سبک زندگی در ایران معاصر استخراج می‌کند. بنابر این هدف این مقاله رسیدن از چیزی معلوم به چیزی نامعلوم است که از آن با عنوان «استنطاق منابع» یاد می‌شود. پژوهش‌های استنطاقی در زمره پژوهش‌های غیرمستقیم اسنادی قرار می‌گیرند بر این اساس، روش مورد استفاده در این گونه مطالعات، امکان بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها را در مراحل مختلف فراهم می‌کند. در این جستار، درصدد فهم و استخراج مدل تبیینی تعدد سبک زندگی ایرانی-اسلامی هستیم. این امر، مستلزم واکاوی مفهوم سبک زندگی، به عنوان دلالت تحقیق، است. از این رو، این پژوهش بر آثار جامعه‌شناسی، به عنوان منبع مطالعاتی، متکی است. استنطاق در این جستار، به معنای استنباط و استخراج دلالت‌های مدل‌های سبک زندگی برای تبیین علت تعدد سبک زندگی در یک جامعه است. برای این منظور: (۱) در ابتدا، پرسش‌هایی از کتاب‌های مرتبط درباره دال سبک زندگی استخراج شده‌اند؛ (۲) برای یافتن مدلول یا پاسخ این پرسش‌ها، داده‌هایی بدین قرار گردآوری شده‌اند: مواد متنی و اسنادی؛ موارد مشاهده شده در گذشته و در حال وقوع؛ تجربه زیسته پژوهشگر؛ یادداشت‌های میدانی حاصل از مشاهده پژوهشگر یا سایر پژوهشگران و (۳) با غور و ژرف‌کاوی در داده‌های گردآوری شده، پاسخ پرسش‌ها استنباط و استخراج شده‌اند (ر.ک: دانایی‌فرد، ۲۱).

به طور خلاصه، فن گردآوری داده‌ها، اسنادی است. عمده‌ترین رویه تحلیل در پژوهش‌های استنتاجی، پاسخ‌گویی منطقی به پرسش‌های تحقیق بر اساس منطق دلالت‌هاست. رویه تحلیل داده عبارت است از استخراج دل‌های محتوایی از داده‌های گردآوری شده، بر اساس پرسش‌های پژوهش، به صورت نظام‌مند و ارائه شواهدی از داده‌های محتوایی که بر مبنای آن، برهانی در تأیید پرسش موردنظر ساخته، تقویت یا حمایت شود.

(۲) چارچوب نظری

شکل‌گیری سبک‌های زندگی ایران معاصر را می‌توان بر اساس نظریه عاملیت. ساختار تبیین کرد. ساختار و عاملیت^۱ نظریه‌ای در جامعه‌شناسی است که از تقدم ساختار یا عاملیت در شکل‌دهی پدیده‌های اجتماعی بحث می‌کند. ساختار، نوعی الگوی تکرارشونده است که بر انتخاب‌ها و فرصت‌های موجود تأثیر می‌گذارد یا آن‌ها را محدود می‌کند. عاملیت نیز ظرفیت افراد برای عمل مستقل و انتخاب آزادانه است (ر.ک: پارکر، ۱۳۸۵). بحث ساختار در برابر عاملیت را می‌توان به عنوان نظریه‌ای برای تبیین شکل‌گیری و تحولات سبک زندگی، در برابر استقلال فرد در شکل‌گیری و تحول سبک زندگی، مطرح کرد. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که آیا فرد، به عنوان یک عامل، در زندگی از آزادی عمل برخوردار است یا بر اساس سبکی عمل می‌کند که از سوی ساختارهای اجتماعی دیکته می‌شود.

ساختار ممکن است به چیزی اشاره کند که هم مادی یا اقتصادی باشد و هم فرهنگی (یعنی مربوط به هنجارها، قراردادها، سنت‌ها و ایدئولوژی‌ها). برخی از نظریه‌پردازان بر این باورند که آنچه به عنوان سبک زندگی درک می‌شود تا حد زیادی از سوی ساختار کلی جامعه تعیین می‌شود. عاملیت نیز عمدتاً بر اساس کارکرد این ساختار قابل توضیح است. از سوی دیگر، نظریه‌پردازان دیگر بر ظرفیت عاملان فردی برای ساخت و بازسازی سبک زندگی شان تأکید می‌کنند. از این نظر، می‌توان عاملیت را اثرگذارتر بر ساختار دانست. نظریه‌پردازان اجتماعی مدرن (ر.ک: بورديو، ۱۳۸۹) برای تعیین نقطه تعادل بین دو موقعیت تلاش می‌کنند (ر.ک: پارکر، ۱۳۸۵). آن‌ها ساختار و عاملیت را به عنوان نیروهای مکمل می‌بینند؛ به گونه‌ای که ساختار بر رفتار عاملان تأثیر می‌گذارد و عاملان می‌توانند ساختارهای اجتماعی را تغییر دهند.

در دیدگاه گیدنز، ساختار و عاملیت در فرایندی دیالکتیکی و مبتنی بر وابستگی متقابل قرار دارند؛ به گونه‌ای که یکی بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. ساختار بدون

عاملیت ممکن نیست؛ زیرا کنش عاملان، ساختار را تولید و بازتولید می‌کند. عاملیت نیز بدون ساختار امکان‌پذیر نیست؛ زیرا کنش عاملان از نفوذ ساختاری معین تأثیر می‌پذیرد. گیدنز سبک‌های زندگی را در همین فرایند وابستگی متقابل عاملیت و ساختار تبیین می‌کرد. اگرچه او سبک‌های زندگی را الگوهای ساخت‌دهنده رفتار می‌دانست، درنهایت بر این نکته تأکید کرد که عاملان اجتماعی در بازتولید و تغییر آن‌ها نقش دارند (ر.ک: لیدون، ۲۰۰۰^۱، ۶۷). از نظر گیدنز، ساختار اجتماعی هم نتیجه رسانه و هم نتیجه کنش اجتماعی است (ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۲۰، ۱۲۷).

خلاصه نظر گیدنز درباره سبک‌های زندگی چنین است: درحالی‌که ساختار ممکن است خلاقیت عاملان را در ساختن و شکل دادن سبک‌های زندگی به تعویق بیندازد، عاملان ظرفیت تغییر ساختارها را دارند و درنهایت، به عنوان پدیده و هستاری قوی، دیده می‌شوند (ر.ک: کوکرهام، ۱۹۹۷^۲، ۸۶).

اهمیت عبارت بالا در این است که گیدنز، عاملان فردی را مستعد ساختن سبک زندگی خود می‌داند. عامل، صرفاً انجام‌دهنده کنش اجتماعی. که از سوی ساختار اجتماعی تعیین می‌شود. نیست. عاملیت، بی‌تردید، از ساختار تأثیر می‌پذیرد؛ اما در مقابل، بر ساختار نیز تأثیر می‌گذارد.

مفهوم و مضمون ساختار در دیدگاه گیدنز، دوگانه است؛ یعنی او عاملان را هم توانمند و هم محدودکننده قلمداد می‌کند. در این فرایند، ساختارها می‌توانند به واسطه اعمال عاملان تغییر یابند و آن‌ها را هم ابزار و هم پیامد کنش قرار دهند. دوگانگی ساختار بدین معناست که ساختار، هم‌زمان، هم عینی (محدودکننده) و هم ذهنی (توانمندساز) است. با این نگاه، ساختارها دیگر نیروهای سفت و سختی نیستند که نسبت به کنش‌های افراد بی‌تفاوت باشند؛ بلکه برای تغییر آمادگی دارند و عاملان نیز مستعد خلاقیت و آزادی فردی هستند؛ بنابراین، گیدنز بر نفوذ عاملیت بر ساختار تأکید دارد. بخش عمده بحث گیدنز درباره سبک‌های زندگی بر انتخاب سبک زندگی متمرکز است. این امر ضروری است؛ زیرا در دیدگاه گیدنز، انتخاب افراد در زندگی دوران پست مدرن عامل مسلط است. از آنجا که افراد در جهانی زندگی می‌کنند که گزینه‌های زیادی در دسترس آن‌هاست، هر فرد ناگزیر از انتخاب است (ر.ک: لیدون، ۲۰۰۰، ۶۷-۶۸).

1. Liddon

2. Cockerham

۳) خاستگاه تنوع سبک زندگی

در شکل‌گیری سبک زندگی، تجربه تاریخی، شرایط زمینه‌ای (شخصیت عاملان، محیط طبیعی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی)، آرمان‌های اجتماعی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر دارند؛ اما اینکه چرا در هر دوره تاریخی، شکلی از سبک زندگی تبلور می‌یابد، به تسلط یکی از این عوامل بر سایر عوامل بستگی دارد. این تبیین درباره سبک‌های زندگی در یک دوره خاص از حیات یک جامعه نیز قابل‌پذیرش است. اینکه چرا در ایران معاصر سبک‌های مختلفی از زندگی وجود دارد، به تسلط یکی از این عوامل بر زندگی گروهی از عاملان (یک شبکه اجتماعی) جامعه بستگی دارد.

الف) شخصیت

تفاوت‌های شخصیتی انسان‌ها، به عنوان نخستین شرط زمینه‌ای، در چندگانگی سبک زندگی مؤثر است. میزان نهادینه شدن بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها در شکل‌گیری شخصیت و سبک زندگی فردی افراد تأثیر دارد. به هر میزان که این امور در درون افراد نهادینه شده باشند، به همان میزان، شخصیت و سبک زندگی فردی آنان رنگ و بوی بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌هایشان را می‌گیرد. همچنین، در تبیین تنوع شخصیت و سبک زندگی افرادی که بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های یکسانی دارند، نباید از تأثیر سایر شرایط زمینه‌ای غافل شد.

ب) زمینه‌های تاریخی

تاریخ ایران آکنده از حوادث و رویدادهای متنوعی است که نشان می‌دهد مردم ایران همواره برای اعتلای فرهنگ خود کوشیده‌اند. ایرانیان در تجربه زیسته تاریخی خود، به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و قرار گرفتن در میان اقوام گوناگون، همواره در دادوستد فرهنگی با دیگر فرهنگ‌ها زیسته‌اند. همین امر سبب شده است که فرهنگ ایرانی به صورت آمیزه‌ای از فرهنگ‌های مختلف درآید. هر یک از این فرهنگ‌ها، با برجای گذاشتن تأثیراتی بر فرهنگ ایران، بی‌آنکه در اساس آن گسستی ایجاد کنند، به آن پویایی بخشیده‌اند. موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن این سرزمین بر سر راه عبور، جابه‌جایی، مهاجرت و تهاجم اقوام گوناگون، تأثیر شگرفی بر فرهنگ و هویت ایرانیان داشته است. با وجود پدید آمدن پاره‌ای دگرگونی‌ها در لایه‌های سطحی فرهنگ و هویت ایرانی، این تحولات هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به ژرفای هویت ایرانیان رسوخ کنند. در این میان، ورود و نفوذ اسلام در فرهنگ ایران، مهم‌ترین رویداد تاریخ

کهن ایران زمین است که نقطه عطفی در تحولات ساختاری این سرزمین به شمار می‌آید. به دنبال مواجهه فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی، با وجود پدید آمدن پاره‌ای تحولات ساختاری و فرازونشیب‌ها، ایرانیان سرانجام توانستند با تلاش هوشمندانه و تکیه بر فرهنگ پویای ایرانی، نوعی همزیستی و آشتی میان فرهنگ دیرینه خود و دین اسلام ایجاد کنند. همچنین، ساختارهای سیاسی، همچون سلسله‌های پادشاهی، حکام محلی و قبایل مهاجم، در طول تاریخ، هر یک به فراخور خود، تأثیراتی بر فرهنگ و هویت ایرانیان بر جای گذاشتند؛ اما هیچ‌یک نتوانستند، همچون اسلام، تغییرات بنیادی در فرهنگ و هویت ایرانی ایجاد کنند. تأثیرات فکری نهضت مشروطه و حضور طبقه جدید تحصیل‌کردگان غرب، در کنار طبقه حاکم، بیش از هر عامل دیگری سبب رویکرد پهلوی اول به سبک زندگی جدید در ایران شد. بی‌تردید، فرایند شکل‌گیری سبک زندگی جدید، تبلور خواست‌ها و آرمان‌های روشنفکرانی بود که تنها راه دستیابی به سبک زندگی غربی را دوری از سنت‌های دینی حاکم بر جامعه ایرانی می‌دانستند.

در دوران پیش از انقلاب اسلامی، به دلیل گرایش حاکمان و سیاستمداران به ظواهر تمدن غرب، بدون توجه به ریشه‌های علمی و عقلی آن، تغییرات چشمگیری در فرهنگ و هویت ایرانیان، به‌ویژه در جوامع شهری، به وقوع پیوست؛ اغلب از این تحولات با عنوان نوگرایی یا تجددخواهی یاد می‌شود. اقدامات و اصلاحات فرهنگی در این دوره، در پی ایجاد سبک زندگی جدید صورت می‌گرفت و جوهره اصلی آن‌ها، تأکید بر فرهنگ غربی بود. تلاش برای ایجاد دگرگونی عمیق در نهادهای سنتی ایران و به دنبال آن، در سبک زندگی، با تأسیس سریع نهادها و ساختارهای جدید همراه بود. در واقع، درک دولت نوگرا از سبک زندگی جدید، سلوک و رفتار تجددمآبانه و تغییر در ظواهر بود، نه شکوفایی اندیشه و فرهنگ. همسان‌سازی فرهنگی و رؤیای رسیدن به فرهنگ اروپایی، نخبگان ایرانی را به ایجاد تغییر در پوشش و کشف حجاب زنان کشانده بود؛ از این رو، توجه به مسائل زنان در کانون توجه جریان‌های فرهنگی قرار گرفت. این مسئله که با تبلیغات گسترده در مطبوعات و محافل همراه بود، آثار خود را به تدریج نمایان ساخت. تأسیس کانون‌ها و مراکزی که به بهانه آزادی زنان، فرهنگ غرب و رفع حجاب را ترویج می‌کرد، همگی از آغاز سیاست استحاله فرهنگ سنتی از طریق اشاعه سبک نوین زندگی غربی حکایت داشتند.

ج) شرایط محیطی

شرایط محیطی تأثیرگذار بر سبک زندگی بر سه نوع است: ۱. محیط طبیعی یا جغرافیایی که انسان ساخته نیست؛ ۲. ساختارهای اجتماعی که انسان ساخته است و خود بر سه نوع اند: سازمان های دولتی، سازمان های غیردولتی و نهادهای مردمی. همچنین، ساختارهای اجتماعی می توانند خصوصی یا عمومی باشند. اهمیت ساختارهای اجتماعی عمومی و خصوصی از آن روست که محل رشد و اجتماعی شدن فرد هستند و فرد در این ساختارها جامعه پذیر می شود؛ ۳. ساختارهای فرهنگی که آن ها نیز بر اساس آموزه های دینی، عقل بشری و شرایط جغرافیایی، به دست انسان ها ساخته و پرداخته شده اند.

د) ساختار اجتماعی

امروزه از دو نوع ساختار اجتماعی، واقعی و مجازی، سخن به میان می آید. ساختارهای واقعی، عرصه ای مادی و فیزیکی اند که ساختارها، سازمان ها و مؤسسات را دربر می گیرند. این ساختارها ناظر بر واقعیت های ساختاری جامعه اند و می توانند نقطه آغازین شکل گیری سبک زندگی اجتماعی باشند. در مقابل، ساختارهای مجازی، عرصه ای غیرفیزیکی اند که سامانه ها، سایت ها و فضاهای اجتماعی مجازی را در شبکه جهانی ارتباطات و اطلاعات شامل می شوند. تأثیر ساختارهای اجتماعی مجازی بر زندگی انسان معاصر، اگر بیش از ساختارهای اجتماعی واقعی نباشد، کمتر نیست. ساختار اجتماعی به زمینه یا بافتی اجتماعی اشاره دارد که افراد در آن زندگی می کنند و رخدادها در آن اتفاق می افتند یا توسعه می یابند. همچنین، ساختار اجتماعی سازمان ها و مؤسساتی را دربر می گیرد که مردم با آن ها تعامل دارند (ر.ک: برنت، ۲۰۰۱، ۴۶۵).

ه) فرهنگ و اراداتی

فرهنگ غرب نیز یکی دیگر از خاستگاه های سبک زندگی جدید در ایران است. در فرهنگ غرب، برخورداری انسان از زندگی توأم با راحتی، خوشی و آسودگی اصالت دارد. انسان خود قواعد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی زندگی را تعیین می کند و آن ها را از دین نمی گیرد. دین با مسائل زندگی ارتباطی ندارد و نباید به محور سبک زندگی تبدیل شود. هر انسانی آزاد است به مجموعه ای از آداب و رسوم فردی و گروهی پایبند باشد، اما نباید اجازه داد رویه ای به عنوان

ارزش اجتماعی تلقی شود. فرهنگ غرب بر مصرف‌گرایی، به عنوان فرایندی اجتماعی و مصرف هرچه بیشتر کالاها، اعم از بادوام و بی‌دوام، تأکید می‌کند. فرهنگ غرب با تغییر ذائقه انسان‌ها، در پی اثرگذاری بر ابعاد اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی سبک زندگی آرام انسان است. اهمیت یافتن بدن و در پی آن، بازتاب هویت بدنی افراد، از پیامدهای اساسی ظهور جامعه مصرفی در فرهنگ غرب است؛ در این جامعه، افراد با دست‌کاری ویژگی‌های ظاهری بدن و فاصله گرفتن از مفهوم «بدن طبیعی»، به ساخت بدن اجتماعی مبادرت می‌ورزند. لذت‌گرایی یا اصالت لذت نیز به این معناست که غایت انسان در اعمال و کردار خود، لذت بردن محض است؛ از این رو، انسان باید به هر شکلی که می‌تواند، از مدت زمان محدود عمر خود برای لذت بردن استفاده کند.

نتیجه آن‌که تغییر سبک زندگی در دو سه دهه گذشته جامعه ایران، بازتاب تحولات و دگرگونی‌هایی است که این جامعه در گذر زمان تجربه کرده است؛ تغییراتی که به تدریج به تقویت عاملیت در برابر ساختارها و شکل‌گیری سبک‌های زندگی نوین انجامیده‌اند. این روند نشان از تأثیر عاملان در معنابخشی به سبک زندگی و تنوع و تکثیر آن در این دوره دارد.

و) آرمان‌ها

با سیطره عاملیت بر سبک زندگی، آرمان‌های زندگی نیز متنوع می‌شوند. از این رو، یکی از عوامل تنوع سبک زندگی، تنوع آرمان‌های انسان معاصر در زندگی است. به عبارت دیگر، تنوع آرمان‌های زندگی انسان سبب گشته است که سبک زندگی او نیز متعدد و متفاوت شود؛ زیرا سبک زندگی انسان‌ها به وسیله آرمان‌هایشان هدایت می‌شود. این آرمان‌ها ممکن است معرف واقعیت نباشند؛ یا ممکن است واقعی یا حتی خیالی باشند. با این حال، نیرویی بسیار شدید بر سبک زندگی انسان وارد می‌کنند که مقاومت در برابر آن بسیار دشوار است.

همچنین، از بین رفتن پویایی آرمان‌های زندگی، عاملی برای تنوع سبک زندگی است. آرمان در هر جامعه‌ای عامل یکدستی سبک زندگی به‌شمار می‌آید؛ اما هر آرمانی به مرور زمان به جزئی از وضع موجود تبدیل می‌شود. آرمانی که در گذشته پویا و عامل تکامل و پیشرفت جامعه بود، در گذر زمان ایستا و عامل رخوت و بی‌حرکی در جامعه می‌شود. از این رو، چنین آرمانی دیگر مورد علاقه و دل‌بستگی اعضای جامعه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا عامل و محرک تحول و تکامل سبک زندگی نیست. هرگاه جامعه‌ای دل‌بستگی خود را به آرمان از دست دهد، عامل همبستگی‌اش را نیز از دست می‌دهد و دچار اختلاف و پراکندگی می‌شود. در این صورت، افراد به گروه‌های گوناگون تقسیم

می‌شوند و هر گروه در پی تأمین نیازها و اهداف زندگی خود برمی‌آید. به عبارت دیگر، اعضای چنین جامعه‌ای تنها متوجه بهبود وضعیت زندگی گروهی یا خصوصی خود می‌شوند و تمام هم‌وغم آنان به گذران زندگی روزمره و تأمین منافع دنیوی (الاسراء: ۱۸) معطوف می‌گردد (الصدر، ۱۴۲۱ق، ۱۲۷). در پی این وضعیت، زندگی مردم به سبک‌های گوناگون درمی‌آید و به دلیل اختلاف بر سر اهداف شخصی و گروهی، یکدستی سبک زندگی خود را از دست می‌دهند؛ زیرا اهداف گروه‌ها بسیار متنوع و با یکدیگر ناسازگارند و کسی وجود ندارد که بتواند این ناسازگاری را برطرف کند و اهدافی یکسان برای همه تعریف نماید (الحشر: ۱۴).

ز) تأثیر فاوا بر زندگی

یکی از مؤلفه‌های ساختاری جدید که بر انتخاب‌ها و فرصت‌های عاملان در سبک زندگی تأثیرگذار است، فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی مجازی است. امروزه بیشتر جوامع به‌سوی بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (فاوا) روی آورده‌اند تا زمینه دسترسی شهروندان به منابع و اطلاعات و مشارکت آنان در سبک زندگی جدید را فراهم آورند (ر.ک: کاوناف، ۲۰۰۱، ۴۹۶-۵۰۹). از سوی دیگر، از آنجا که انسان موجودی اجتماعی و نیازمند اجتماعی شدن است، کوشیده است از محیط اینترنت به‌عنوان جامعه‌ای مجازی برای اجتماعی شدن و اجتماعی کردن کودکان استفاده کند تا از این طریق بتواند بخش بیشتری از نیازهای ارتباطی خود را برآورده سازد. این توجه اجتماعی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، شهروندان را به استفاده از فاوا ترغیب کرده و در برخی موارد، آنان را ناگزیر از استفاده از آن ساخته است. مقامات دولتی، سازمان‌های اجتماعی و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی و آموزشی، از جمله مدارس و دانشگاه‌ها، به‌طور فزاینده‌ای بر استفاده از پست الکترونیکی، پیام‌رسان‌ها و وب‌سایت‌ها برای تسهیل ارتباطات تأکید می‌کنند. از این رو، نمی‌توان اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات را در سبک زندگی جدید نادیده گرفت؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق عاملان اجتماعی، روزانه از ابزار نوین فناوری استفاده می‌کنند. فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کار، اوقات فراغت، خرید، سرگرمی، روابط و به‌طور کلی، مدیریت امور خانواده به‌کار گرفته می‌شود.

افزون بر فاوا، نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی و آموزه‌های آن در میان عاملان، تحولاتی همچون تأثیرگذاری روزافزون بر علایق، تمایلات و ارزش‌های آنان را به همراه داشته است

(ر.ک: بختیاری، ۱۳۹۵، ۴۶۵-۴۷۸). این تحولات، ضمن جداسازی افراد از یکدیگر، در حال دگرگون‌سازی نوع روابط ساختاری و انسانی میان عاملان اجتماعی‌اند. نوع و چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره، بر ویژگی‌های شخصیتی افراد، عواطف و باورهای آنان و نیز ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تأثیر می‌گذارد.

شایان ذکر است که فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، فی‌نفسه دین‌داری را کاهش نمی‌دهند؛ بلکه ابزارهای ارتباطی‌اند که نوع محتوا و شیوه کاربرد و استفاده از آن‌ها، پیامدهایی برای دین‌داری عاملان دارد. برخی از محتواها و شیوه‌های کاربری که در دوران کنونی بخش درخور توجهی از محتواها را به خود اختصاص داده‌اند، موجب تضعیف دین‌داری آنان می‌شوند؛ بنابراین، با استناد به پژوهش حاضر و نیز پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، می‌توان به این نتیجه رسید که فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی مجازی ممکن است فوایدی نیز داشته باشند؛ اما با توجه به محتوای مطالب مورد استفاده و شیوه بهره‌گیری از فاوا و شام (شبکه‌های اجتماعی مجازی) این ابزار بر کاهش دین‌داری جوانان تأثیر بسزایی دارند و این واقعیت می‌تواند برای وضعیت عقیدتی و معنوی جامعه آسیب‌زا باشد؛ زیرا جوانان، به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، بیش از دیگران در معرض این شبکه‌های اجتماعی اینترنتی قرار دارند. از این رو، ضرورت دارد کاربران و متولیان امور فرهنگی و اجتماعی، نسبت به محتوای شبکه‌ها و پیامدهای فردی و اجتماعی آن‌ها آگاهی و نظارت لازم داشته باشند و با تهیه محتواهای سودمند، کارشناسانه و متناسب با نیازهای روز جوانان، این ابزارهای ارتباطی را برای تقویت باورهای دینی و سالم‌سازی نسل جوان به‌کار گیرند. خلاصه آن‌که خاستگاه سبک‌های زندگی ایرانیان معاصر، فرهنگ ایران باستان، آموزه‌های دین اسلام، فرهنگ وارداتی غربی و نفوذ فاوا و شام در زندگی است.

۴) انواع سبک زندگی

گفته شد که تنوع سبک زندگی در ایران معاصر، از یک سو، نتیجه خاستگاه تاریخی، رفع نیازها و شرایط زمینه‌ای سبک زندگی در ایران معاصر است و از سوی دیگر، از تلاقی آموزه‌های اسلامی، فرهنگ ایرانی و فرهنگ وارداتی غربی ناشی می‌شود. بر این اساس، می‌توان بر روی پیوستاری که یک سوی آن زندگی مؤمنانه و سوی دیگر آن زندگی غیردینی قرار دارد، از چهار نوع سبک زندگی کلان سخن گفت؛ هرچند می‌توان سبک‌های زندگی در سطح متوسط و خرد را نیز در جامعه ایران شناسایی و بررسی کرد.

الف) سبک زندگی اسلامی (مؤمنانه)

عمده‌ترین بخش سبک زندگی در بیشتر جوامع، به‌وسیله آموزه‌های ادیان شکل گرفته است. سبک زندگی اسلامی، ظهور و برآیند اجتماعی جهان‌بینی توحیدی و فطرت، یعنی سیطره عقل، اراده و آگاهی بر زندگی است. اگر جهان‌بینی توحیدی در درون انسان شکل گیرد، سبک زندگی او مؤمنانه خواهد شد. سبک زندگی اسلامی که در پاره‌ای از خانواده‌های مذهبی ایرانی رایج است، سبکی است که در آن زندگی کاملاً با آموزه‌های اسلام انطباق داده می‌شود. سبک زندگی اسلامی، سبکی است که عقل بر آن حاکمیت دارد. تا زمانی که انسان در مقام عمل تحت تأثیر قوای وهم و خیال باشد، زندگی‌اش در ردیف زندگی حیوانات است؛ اما اگر گامی فراتر نهد، قوه عاقله را به‌کار گیرد، آن را زعیم قوای وهم و خیال قرار دهد و در بالندگی آن همت گمارد، بی‌تردید زندگی‌اش از زندگی حیوانات فراتر می‌رود و ثمرات و آثار انسانی از آن پدیدار می‌شود؛ زیرا قوای متعدد در نهاد و نهان انسان، بسان درختانی هستند که طعم میوه‌هایشان متفاوت است. سبک زندگی یک مسلمان بر مبانی غریزی، یا به‌طور کلی عقلی یا سلیقه‌ای استوار نیست، بلکه بر اساس آموزه‌های دینی، دریافت‌های عقلی و فطرت او شکل می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی متغیر بودن آن است. سبک زندگی در نگاه نخست ثابت به نظر می‌رسد؛ زیرا ابعاد و مؤلفه‌های آن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در آینده تداوم می‌یابد. تغییر در سبک‌های زندگی، آرام و کند است و در یک مقطع زمانی به‌سادگی قابل درک و رؤیت نیست. از سوی دیگر، به دلیل پدید آمدن نیازهای جدید زیستی، روانی و اجتماعی، تلاش برای رفع این نیازها و تفاوت در مقتضیات زمانی و مکانی، تغییراتی در سبک زندگی ایجاد می‌شود. از این منظر، می‌توان سبک زندگی اسلامی را دارای دو بخش ثابت و متغیر دانست.

مجموعه آموزه‌های اسلامی در کلیتی قرار دارند که شامل عقاید، جهان‌بینی، باورها، ارزش‌ها و علایق است. این مجموعه زمانی به سبک زندگی تبدیل می‌شود که با انسجام و همبستگی خاصی نهادینه شده باشد. سبک زندگی مجموعه‌ای غیرقابل تجزیه است و شناخت آن، مستلزم شناخت کلیت آن است. برای شناخت سبک زندگی اسلامی، باید آن را به‌صورت یکپارچه نگریست. سبک ارتباطی، سبک معیشت، شخصیت، نظام فرهنگی و مانند آن‌ها، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که سبک زندگی نامیده می‌شود.

سبک زندگی اسلامی که مبتنی بر رویکرد و نگرش جمع‌گرایانه است، سبکی استوار است که در آن ایشار، گذشت و تقدم دیگری بر خود، زمینه بقای سبک زندگی، امنیت عاطفی و

در نهایت، شکوفایی ذهن و زندگی انسان را فراهم می‌کند. یکی از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی، در هر دو بُعد فردی و اجتماعی، آن است که هر فرد در زندگی خود دارای الگویی است. بر اساس این مؤلفه، هر مسلمانی زندگی بزرگان دین را در مراحل گوناگون زندگی سرمشق خود قرار می‌دهد (احزاب: ۲۲).

سبک زندگی مؤنانه، به رغم مطلوبیت، در مقام تحقق نتوانسته است مرز خود را با فرهنگ اجتماعی مشخص کند؛ از این رو، سبک زندگی اسلامی در ایران تا اندازه‌ای با فرهنگ باستانی آمیخته است. سبک زندگی‌ای که امروزه از آن با عنوان سبک زندگی اسلامی-ایرانی یاد می‌شود، در شکل‌گیری برخی از مهم‌ترین نهادها و الگوهای فکری ایرانیان نقش داشته و هنر ایرانی نیز در آن به اوج خود رسیده است. این سبک زندگی، وام‌دار آموزه‌های اسلامی در صورت شیعی آن است. ایرانیان پس از ورود اسلام به ایران و در طول قرون گذشته، با اخلاص دینی فراوان و پایبندی به آموزه‌های اسلامی، برحسب تفسیر عالمان شیعی، زندگی کرده‌اند و امروزه در قالب سبک زندگی اسلامی-ایرانی شناخته می‌شود.

ب) سبک زندگی اسلامی-ایرانی

آموزه‌های اسلامی، هم راهی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های زندگی‌اند و هم نماد امری برتر و متعالی در اسلام، همه شئون زندگی در پرتو خداوند معنا می‌یابد. در آموزه‌های اسلامی، بر طبیعی، عقلی و دینی (فطری) بودن سبک زندگی تأکید شده است.

در ایران، سبک زندگی اسلامی با فرهنگ و تاریخ این کشور پیوند دارد. در سبک زندگی اسلامی-ایرانی، ایمان و دین‌داری، افتخار به فرهنگ ایرانی و پایبندی به آداب و رسوم اصیل ایرانی حضور دارد. در جامعه امروز ایران، سبک زندگی ایرانی-اسلامی، برگرفته از حیات طیبه اسلامی و آداب و رسوم فرهنگ ایرانی، شیوه زندگی بیشتر ایرانیان است. این سبک، به طور آگاهانه، آمیزه‌ای از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی است و زندگی بیشتر خانواده‌های ایرانی از چنین سبکی برخوردار است.

در سبک زندگی اسلامی-ایرانی، خانواده محوری دارد. به عبارت دیگر، خانواده محوری بر سبک زندگی اسلامی-ایرانی سیطره دارد و به روابط خانوادگی، به ویژه رابطه با پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده، اهمیت بسیاری داده می‌شود. همچنین، مراسم خانوادگی گوناگون، مانند جشن‌های عروسی، عید قربان، عید نوروز، عید فطر و ماه مبارک رمضان، در سبک زندگی اسلامی-ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارند.

همچنین، در سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به رعایت ارزش های اخلاقی، مانند صداقت، دوست داری، بخشندگی، معیشت حلال و سلامت غذا، اهمیت داده می شود. در باب پوشش نیز در سبک زندگی اسلامی - ایرانی تأکید شده است. زنان و مردان باید از پوشش های مورد نظر آموزه های اسلامی استفاده کنند و از پوشیدن لباس شهرت، پوشش های بی ضابطه و بدن نما خودداری کنند.

در سبک زندگی اسلامی - ایرانی، مردم ارزش های اخلاقی و دینی، مانند صداقت، عدالت، بخشندگی، تواضع و پایبندی به آداب و رسوم ملی و دینی را نیز به خوبی رعایت می کنند و برای دستیابی به آرامش درونی، با خداوند ارتباط برقرار می کنند.

ج) سبک زندگی ایرانی - غربی

با تغییر فرهنگ، یعنی تغییر نگرش و بینش انسان معاصر، سبک زندگی وی نیز دستخوش تغییر شده است. مقایسه سبک زندگی امروزی با گذشته، با تأکید بر دو محور امکانات زندگی و شیوه زیستن، از وجود تفاوت های چشمگیر حکایت دارد. سیر سبک زندگی مردم، به ویژه جوانان، بیش از پیش به سوی فرهنگ غرب و تحت تأثیر رسانه ها و شبکه های اجتماعی مجازی گرایش یافته است.

اگرچه در سبک زندگی ایرانی - غربی نیز آموزه های اسلامی دیده می شود، بیشتر مؤلفه های این سبک، ترکیبی از فرهنگ ایرانی و غربی است. این سبک زندگی با باز شدن پای پادشاهان قاجار به اروپا و جذب مؤلفه های غربی و ورود آن ها به ایران آغاز شد و در دوران پهلوی نیز ادامه یافت. ورود محصولات فرهنگی غرب سبب شد تغییراتی در سبک زندگی ایرانیان مسلمان ایجاد شود و سبک زندگی آنان را به ترکیبی از فرهنگ اسلامی - ایرانی و فرهنگ غربی تبدیل کند.

در این سبک زندگی نیز نیازهای انسان پابرجاست، اما متنوع، متعدد و افزون تر شده است. در این سبک، نیاز به خوردن و آشامیدن وجود دارد، با این تفاوت که تهیه غذاها سریع تر انجام می شود و احتمالاً در حین کار، پشت میز یا حتی در حال رانندگی مصرف می گردد. نیاز به سرگرمی و تفریح همچنان وجود دارد، اما شکل آن تغییر یافته و به تماشای فیلم های سینمایی و گشت و گذار در شبکه های اجتماعی مجازی تبدیل شده است؛ فضاهایی که انواع مصرف را در قالب فیلم، سریال و تبلیغات به مخاطبان عرضه می کنند.

این سبک در ایران، بیش از همه در میان جوانان رایج است و با اقبال بیشتری مواجه شده است. جوانان مسلمان ایرانی، بیشترین تأثیر از دنیای متجدد را از رهگذر آن چیزی می‌پذیرند که می‌توان آن را سبک زندگی جدید نامید. سبک زندگی جدید که به‌طور طبیعی در حد خود بیانگر فلسفه‌ای خاص نیز هست، به مراتب بیش از فلسفه‌ها، الهیات یا ایدئولوژی‌های جدید، به‌صورت مستقیم بر جوانان ایران تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که شواهد آن را می‌توان تقریباً در همه مراکز شهری ایران مشاهده کرد.

این شیفتگی نسل جوان نسبت به سبک زندگی جدید، منحصر به ایران نیست، بلکه پدیده‌ای جهانی است که بازتاب آزادی کامل فردی از قیدوبند سنت‌ها و اصولی است که طی زنجیره‌ای طولانی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند (ر.ک: نصر، ۱۳۷۴، ۳۳۷). اشتیاق شدید جوانان به شنیدن موسیقی پاپ در سبک زندگی آنان آشکار است؛ همچنین، پوشیدن لباس‌های جدید که بیانگر میل به آزادی از قیدوبندهای اجتماعی است، به‌وضوح مشاهده می‌شود. تمایل جوانان به استفاده از اتومبیل‌های پرسرعت و انواع تفریحاتی که متضمن سرعت و جرئت باشد، مانند آنچه در فیلم‌های غربی دیده می‌شود، نیز قابل مشاهده است. بسیاری از جوانان، همراه دوستان و همسالان خود، به سفر می‌روند، بی‌آنکه مقصد مشخصی در نظر داشته باشند. در این مسحورشدگی نسبت به سبک زندگی جدید، بسیاری از جوانان ایرانی، به‌ویژه آنان که در معرض محتوای سایت‌ها و ارزش‌های فرهنگی جهان مدرن از طریق رسانه‌های اجتماعی مجازی قرار گرفته‌اند، نیز سهیم‌اند (ر.ک: نصر، ۱۳۷۴، ۳۳۸).

درواقع، بر اثر پیامدهای مشروطیت، ناهمخوانی سبک زندگی دینی جامعه ایرانی با سبک زندگی غربی آشکار شد. در مراحل بعد، جایگزین کردن مؤلفه‌های سبک زندگی غربی به جای مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی-ایرانی، مرحله تازه‌ای از تعارض میان سبک زندگی اسلامی-ایرانی و سبک زندگی غربی را پدید آورد.

د) سبک زندگی غیردینی

فرهنگ غربی سبب شکل‌گیری و تقویت فرهنگ غیربومی و غیردینی در بخشی از خانواده‌های ایرانی پیش از انقلاب شده بود و مطالبات غیردینی و غیربومی، همچون آزادی پوشش زنان، زندگی با حیوانات، اختلاط جنسی در محافل و مراکز عمومی و مانند آن، از سوی این گروه‌ها مطرح می‌شد. در این دوره، در نتیجه مجموعه‌ای از عوامل پیچیده داخلی و بیرونی، به تدریج مخالفت‌هایی با مرجعیت و اقتدار دین اسلام و به دنبال آن با سبک زندگی اسلامی، به‌ویژه در

میان برخی از جوانان هر دوره، پدید آمد. عواملی همچون مغفول ماندن آموزه‌های متافیزیکی و معنوی اسلام، گسترش بیش از اندازه روزهای عزاداری و توجه به درگذشتگان، عقلانی شدن تدریجی اندیشه اسلامی، شکاکیت نهفته در فرهنگ وارداتی غرب و تأثیر گسترده رسانه‌ها، نقش مؤثری در شکل‌گیری این وضعیت داشته‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام پهلوی، انقلابیون برای عاملان به سبک زندگی غیردینی و تربیت‌شدگان نظام تربیتی و فرهنگی غربی و غیردینی، برنامه تربیتی مشخصی نداشتند. در مقابل، برای گروه‌های دینی و سیاسی ناهم‌سو با موج انقلاب، برخی برنامه‌ها و محدودیت‌ها اعمال شد؛ به‌طور مثال، فعالیت سازمان مجاهدین، فدائیان اسلام، نهضت آزادی، جبهه ملی و حتی بهاییان با محدودیت‌هایی مواجه گردید. افزون بر این، پایان دفاع مقدس و آغاز شرایط نوین سیاسی و اقتصادی، همراه با برنامه‌های توسعه، تحولی دیگر در ارزش‌ها و هنجارها پدید آورد؛ بر اساس این تحول و در پی تغییر فضای حاکم بر کشور، سبک زندگی غربی که در برابر سبک زندگی اسلامی به حاشیه رانده شده بود، بار دیگر به متن جامعه بازگشت.

این سبک، اگرچه گاه ظاهری از پایبندی به اسلام دارد، در واقع سبکی کاملاً غربی و غیردینی است. ایران از دوران پهلوی و حتی پیش از آن، از عصر قاجار به این سو، در جهت غیردینی شدن نگاه و نگرش بخشی از مردم و سست شدن آموزه‌های دینی در سبک زندگی آنان حرکت کرده است. در نتیجه، در آن دوره تاریخی، افرادی حضور دارند که گرچه میراث‌دار مسلمانان‌اند، دیگر به معنای دقیق کلمه مؤمن محسوب نمی‌شوند.

در این سبک زندگی، افزایش سن ازدواج، عدم تمایل به داشتن همسر و فرزند، گرایش به تنوع‌طلبی در همه امور، استفاده گسترده از وسایل مادی و گرایش به ارزش‌های مادی، اموری پذیرفته تلقی می‌شود. این سبک زندگی با سبک زندگی مؤمنانه تفاوت‌های اساسی دارد و بر اساس جهان‌بینی مادی‌گرایانه حاکم بر آن، هدفی جز لذت‌طلبی و منفعت‌طلبی این جهانی ندارد. سبک زندگی صرفاً دنیاگرایانه، مبتنی بر پیشرفت‌های جهان صنعتی، فناوری و وسایل ارتباطی است که حتی در خود غرب نیز معنای زندگی و فلسفه آن را دگرگون ساخته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت سبک جدید نه تنها تغییراتی در سبک زندگی ایجاد کرده، بلکه بنیان‌های فرهنگی آن را نیز دستخوش تحول کرده است.

شایان‌گفتن است که این سبک زندگی حتی با سبک‌های زندگی رایج در جوامع غربی تاریخی نیز سازگاری ندارد و خود نشان‌دهنده نوعی ازهم‌گسیختگی در این جوامع است.

شاهد این سخن آن است که در چند نسل گذشته، کمترین اثری از مؤلفه‌های جدید سبک زندگی در میان اروپاییان دیده نمی‌شد. مفاهیمی همچون پوچی و بی‌معنایی زندگی و هیچ‌انگاری، ازهم‌گسیختگی خانواده، از دست رفتن نقش‌های سنتی زن و مرد و روابط میان آنان و درنهایت، فروپاشی هرگونه اقتدار و مرجعیت اخلاقی، معنوی و اجتماعی و تا حدودی سیاسی، از پیامدهای این وضعیت بوده است (ر.ک: نصر، ۱۳۷۴، ۳۳۹).

این نکته نیز وجود دارد که جهات مثبت فراوانی در سبک زندگی ایرانیان غرب‌گرا دیده می‌شود؛ ازجمله آن‌ها، فضائلی اخلاقی است که در میان شمار زیادی از مردم مؤمن با سبک زندگی اسلامی نیز می‌توان مشاهده کرد. این فضائل تا حد زیادی میراثی است که از سبک زندگی اسلامی برجای مانده است. اگرچه بسیاری از ایرانیانی که سبک زندگی غیراسلامی دارند، فضائل اخلاقی همچون خیرخواهی و خضوع را حتی با نیت‌های غیردینی از خود نشان می‌دهند، این امر ناشی از پیشینه اسلامی آنان است و هنوز نیز عنصر اسلامی در روح این گروه از ایرانیان حضوری نیرومند دارد. به‌طور خلاصه، بسیاری از گرایش‌های غرب‌گرایان ایرانی و حتی آن دسته از آنان که خود را مذهبی و دین‌دار نمی‌دانند، ریشه‌ای دینی دارد.

ه) سبک زندگی نسل فاوا و شام

سبک زندگی نسل فاوا و شام، سبکی فراتاریخی - جغرافیایی، فرافرهنگی و ساختاری است که بر پایه تجربه زیستهٔ عاملان جهانی شکل گرفته است. تحقیقات گسترده و شواهد علی‌فراوان نشان می‌دهد که استفاده از فاوا، زندگی عاملان اجتماعی را ازجمله در حوزه‌های کار، آموزش، اوقات فراغت، درک از خود، خانواده‌ها، سبک زندگی و جوامع دگرگون کرده است (ر.ک: هورست، ۲۰۱۰، ۲۹-۷۹). عاملان در این تغییرات نقشی فعال دارند. ویژگی‌های شخصیتی، عواطف و باورهای آنان و نیز خصوصیات جمعیت‌شناختی، بر نوع و چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در سبک زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد. در دههٔ گذشته، تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی جوامع، قابل مشاهده و انکارناپذیر بوده است.

نفوذ فاوا به زندگی انسان با ابزاری همچون رایانه‌ها، اینترنت و فناوری‌های تلفن همراه اتفاق افتاده است (ر.ک: چلسی، ۲۰۰۶، ۵۸۷-۶۰۸). ازاین‌رو، عاملان اجتماعی ممکن است از فاوا به‌عنوان فرصتی برای برآورده‌کردن نیازهای خود استفاده کنند؛ بااین‌حال، در بسیاری از موارد، تأثیرات منفی فاوا محدود به کاربران نمی‌شود، بلکه احتمالاً بر دیگران نیز اثر می‌گذارد. برای

1. Horst

2. Chelsey

مثال، شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش از پیش بر روابط زن و شوهر و سازگاری زناشویی، ارتباط میان والدین و فرزندان و نیز ارتباط فرزندان با یکدیگر تأثیر گذاشته و موجب شده‌اند این روابط، با توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی (ازجمله جایگزینی ارتباط مجازی به جای ارتباط واقعی با دیگران، ترویج فرهنگ مجردزیستی، میزان پایبندی به تعهدات خانوادگی، آسان شدن ارتباطات کلامی میان دختران و پسران، فرار از خانه، خواندن هرزنامه‌ها، دوست‌یابی از جنس مخالف، فریب خوردن، آگاهی از نیازهای خود و انتقال آن به همسر و میزان آگاهی از تجارب دیگران و شیوه‌های برقراری ارتباط)، دستخوش تنوع و تکثر قابل توجهی شوند.

همچنین نوجوانان خواهان آن‌اند که استفاده از تلفن همراه هنگام صرف شام ممنوع شود تا والدین تلفن‌های همراه خود را کنار بگذارند و به اعضای خانواده توجه کنند. نه تنها روابط والدین با فرزندان، بلکه احتمالاً روابط آنان با یکدیگر نیز تحت تأثیر استفاده از فاوا قرار خواهد گرفت. استفاده همسران از اینترنت ممکن است موجب شود مدت زمان صرف شده برای سایر فعالیت‌های خانوادگی یا با یکدیگر بودن کاهش یابد (ر.ک: تورکل، ۲۰۱۱، ۲۱). این مسئله ناشی از مشکلات روابط در خانواده، یعنی بحث مضایقه روابط همسران با یکدیگر و اجتناب از گفت‌وگو و مذاکره است (ر.ک: گیتی‌پسند، ۱۳۹۴، ۵۰-۹۹). در نتیجه، فرصت ارتباط مجدد با دوستان قدیمی و شرکای عاطفی افزایش می‌یابد، محیطی برای گریز افرادی که با مشکلات زناشویی مواجه‌اند، فراهم می‌شود و حتی می‌تواند به ارتباطات مجازی از نوع خیانت نیز منجر گردد (ر.ک: تورکل، ۲۰۱۱، ۲۱).

استفاده بیش از حد از رایانه به پیامدهای منفی مختلفی، ازجمله ضعف سلامت و شکل‌گیری سبک زندگی ناآرام، منجر می‌شود. رایانه موجب کاهش فعالیت فیزیکی و بدنی و افزایش بی‌حرکی در اوقات فراغت می‌گردد (ر.ک: آلبریکتسن، ۲۰۰۱^۲، ۱۳). این سبک‌های زندگی کم‌تحرک و غیرفعال، با بروز مجموعه‌ای از بیماری‌های مزمن، ازجمله بیماری‌های قلبی، فشار خون بالا، دیابت، پوکی استخوان، سرطان روده بزرگ، اضطراب و افسردگی همراه است (ر.ک: آلبریکتسن، ۲۰۰۱، ۱۴). همچنین، چاقی و اضافه‌وزن در کودکان و نوجوانان با افزایش استفاده از رایانه ارتباط معناداری دارد (ر.ک: کائوتیانن، ۲۰۰۵^۳، ۹۲۸) و این رابطه به‌ویژه در میان دختران پررنگ‌تر است.

1. Turkle

2. Albrechtsen

3. Kautiainen

خدمات ارائه شده از طریق اینترنت، مانند ارتباط برخط، خرید و انجام فعالیت‌های روزمره، بر بی‌حرکی و عدم تمایل افراد به خروج از خانه تأثیر می‌گذارد (ر.ک: آلبریکتسن، ۲۰۰۱، ۱۷). برخی مطالعات نیز به پیامدهای منفی استفاده حتمی و ضروری از اینترنت، یا حتی اعتیاد به آن، در میان نوجوانان و بزرگسالان توجه کرده‌اند. همچنین، در پژوهشی، ۳۱ درصد از کاربران اینترنت اطلاعات بهداشتی را از طریق جست‌وجوی برخط به دست می‌آورند. با وجود اطلاعات فراوان در دسترس درباره ورزش و سبک زندگی سالم در فضای برخط، این اطلاعات برای بهبود سلامت و رفاه افراد به کار گرفته می‌شود (ر.ک: لن هارت، ۲۰۰۵).

درحالی‌که استفاده بیش از حد از فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه رایانه، اغلب آثار و پیامدهای منفی به همراه دارد، مزایا و نتایج مثبتی نیز برای سبک زندگی داشته است. برای مثال، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند از طریق «قدرت ارتباطی» خود، سبک زندگی سالم و فعال را گسترش دهد (ر.ک: آلبریکتسن، ۲۰۰۱، ۱۸).

گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی، مانند اینستاگرام، تلگرام و فیس‌بوک، به دلیل نبود نظارت بر آن‌ها، پیامدهایی نامناسب به همراه داشته است؛ زیرا افراد در فضای مجازی با غریبه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و احتمال دارد در معرض محتوایی قرار گیرند که با ارزش‌ها و عقاید سبک زندگی اسلامی ناسازگار است (ر.ک: لن هارت، ۲۰۰۵). عضویت و مشارکت در گروه‌ها و کانال‌های پیام‌رسان‌ها می‌تواند به شکل‌گیری سبک جدیدی از زندگی بینجامد (ر.ک: ویتی، ۲۰۰۲، ۳۴۴). اطلاعات در دسترس از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، به افزایش شبهات و زیر سؤال رفتن ارزش‌ها و نقش‌های خانواده منجر شده است. این دسترسی نامحدود به انواع دیدگاه‌ها و اطلاعات، در تاریخ انسان بی‌سابقه است.

شبکه‌های اجتماعی مجازی صرفاً جایگزینی کاربردی برای شیوه‌ها و ابزارهای سنتی برقراری ارتباط در سبک زندگی نیستند، بلکه نشان‌دهنده تغییری کیفی در سبک زندگی عاملان و خانواده‌ها نیز به شمار می‌آیند.^۱ شبکه‌های اجتماعی مجازی جدید، ارتباطات میان عاملان اجتماعی را دائمی کرده و سطح آن را از گفتاری یا نوشتاری به چندرسانه‌ای ارتقا داده‌اند؛^۲ ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی و پیام‌رسان‌های فوری، به عاملان اجتماعی در سراسر جهان امکان می‌دهد تا در هر زمان دلخواه، با کمترین تأخیر و هزینه‌ای

1. Lenhart

2. Whitty

نسبتاً اندک، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ ۳. ویژگی های شبکه های اجتماعی مجازی و پیام رسان ها به عاملان امکان می دهد تا در مکان ها و زمان هایی که امکان مکالمه وجود ندارد، به سرعت و به صورت هم زمان ارتباط برقرار کنند؛ ۴. ویژگی های شبکه های اجتماعی مجازی و پیام رسان ها به عاملان امکان می دهد تا در صورت برخط نبودن طرف مقابل، به صورت ناهم زمان ارتباط برقرار کنند و پیام آنان تا زمان حضور طرف ارتباطی باقی بماند.

بنابراین، نمی توان اهمیت شبکه های اجتماعی مجازی را در سبک زندگی اسلامی- ایرانی نادیده گرفت. این ها تغییراتی است که در جهان امروز جریان دارد و فرهنگ ها و جوامع گوناگون را بیش از هر دوره ای به یکدیگر وابسته ساخته است. هم زمان با افزایش سرعت و شتاب تغییرات، رویدادی که در نقطه ای از جهان رخ می دهد، می تواند به طور مستقیم بر نقاط دیگر نیز تأثیر بگذارد. به دلیل شکل های نوین ارتباطات الکترونیکی، همه ما از «حیات خلوت های یکدیگر» آگاهیم؛ بسیار بیش از آنچه نسل های گذشته آگاه بودند (ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۹، ۶۸).

شبکه های اجتماعی اینترنتی، به دلیل دسترسی آسان و گستره وسیع مطالب متنوع در آن ها، جوانان بسیاری را به خود جذب می کنند. با وجود پیامدهای مثبت این شبکه ها، به نظر می رسد تقابل شبکه های جهانی که مطابق عرف غربی اداره می شوند و هرگونه خبر، مطلب، تحلیل، عکس، ویدئو و مانند آن در آن ها بدون محدودیت منتشر می شود، با سبک زندگی ایرانی مبتنی بر آموزه های اسلام، مشکلات و تناقض هایی را در پی داشته باشد.

به هر حال، در چند دهه اخیر، ظرفیت انتخاب عاملان به دلیل گسترش فاوا و شام افزایش یافته و این امر در شاخص های زیر نمود یافته است. سبک زندگی در دوره اخیر، به فناوری فاوا، شام و اسباب مادی آن ها به شدت وابسته شده و این امر، تغییراتی در فرهنگ اجتماعی و ارزش های زندگی پدید آورده است. بازتاب تحول ارزش های زندگی، به تدریج موجب رشد عاملیت شده است؛ بنابراین، تعیین بخشی ساختارها در انتخاب سبک زندگی محدودتر شده است و بازتاب این تحولات را می توان در شاخص های زیر مشاهده کرد. به هر حال، نباید از عامل ساختاری جدید، یعنی فناوری فاوا و شام که سبب افزایش راه های گزینش عاملان شده است، غفلت کرد.

یک، سنت گریزی

یکی از مهم ترین ویژگی های سبک زندگی نسل های جدید، شورش بر ضد هر چیزی است که سنت تلقی شود؛ چه سنت به مفهوم قدسی و آسمانی آن، چه آداب و سنن و هر آنچه از

نسل‌های پیشین به ارث رسیده است. شاید در میان نسل‌های اخیر، هیچ نسلی بیش از نسل فاوا و شام برای گریز از سنن و آداب و رسوم آبا و اجدادی خود نکوشیده است. این گریز، به شکل‌گیری پدیده‌ای موسوم به شکاف میان نسل‌ها انجامیده است (ر.ک: نصر، ۱۳۸۱، ۳۳۲).

دو) دین‌گریزی

برای فهم سرشت عصیان‌آمیز سبک زندگی نسل فاوا و شام، توجه به عاملی دیگر، یعنی از دست رفتن ایمان جوانان به آموزه‌های دینی، نیز ضروری است. سبک نوظهور زندگی نسل‌های جدید بر شایستگی‌های شخصیتی افراد تأکید دارد. نسل فاوا و شام به ارزش و آزادی انسان سکولار علاقه‌مند است. اعتقادات دینی در جهان‌بینی این نسل، دیگر یک نظام مستقل اندیشه‌ای و مبتنی بر خدامحوری نیست، بلکه تا حد نوعی تجربه روحانی شخصی تنزل یافته و از نظام شریعت، مفاهیم حقوقی و تعالیم عمیق اجتماعی تهی شده است. مفاهیم و آموزه‌های بنیادی دینی در جهان‌بینی انسان‌گرایی، همگی مسخ و تحریف شده‌اند تا با معیارهای این سبک زندگی هماهنگ شوند.

سه) انسان‌گرایی

از انسان‌گرایی، به عنوان مهم‌ترین مبنای اندیشه‌ای نسل فاوا و شام در پیدایش سبک جدید زندگی می‌توان یاد کرد. جوهر این پدیده، فهمی جدید از شأن انسان به عنوان موجودی عاقل و جدا از آموزه‌های الهی است. در این سبک زندگی، آدمی با نیازها، خواست‌ها، آرمان‌ها و تمایلات این جهانی خود، مبنا و معیار همه چیز پنداشته می‌شود و به تعبیری، انسان خدا می‌شود. حقیقت بشر نیز به صورت‌های گوناگون، موجودی قائم به خود و خودبنیاد تعریف می‌شود.

چهار) لذت از زمان حال

در سبک زندگی نسل فاوا و شام، کشش و گرایش وجود دارد که افراد جامعه را به زیستن در لحظه حال، فارغ از تاریخ و گذشته و غرق شدن در طلب سرافرازی‌های لحظه‌ای و لذت‌های جسمی و آنی وامی‌دارد. پرستش قهرمانان ورزشی، میل به رکوردشکنی دائمی و فائق آمدن بی‌وقفه بر طبیعت، نشان‌دهنده وجهی از این دل‌مشغولی‌ها به تن است. با این حال، جنبه ویرانگرتر این گرایش را می‌توان در استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، روابط جنسی آزاد و نظایر آن مشاهده کرد که همگی از تلاش نفس برای غرق کردن خود در لذت‌های آنی، جسمی و غریزی حکایت دارد. بزرگداشت بیش از حد ورزش و پرستش قهرمانان ورزشی، ناشی از اهمیتی است

که در سبک زندگی جدید به تن داده می شود. در وجهی دیگر، سبک زندگی این نسل در قالب اعتیاد به مواد مخدر و روابط جنسی آزاد خودنمایی می کند (ر.ک.: نصر، ۱۳۷۴، ۳۴۲-۳۴۳).

پنج) بی معنایی زندگی

یکی دیگر از ویژگی های سبک زندگی نسل فاوا و شام، جست وجو برای یافتن معنای زندگی است. از دست رفتن معنای زندگی برای بسیاری از افراد این نسل، آنان را به بیراهه طلب لذت های آنی و جسمانی از طریق روابط جنسی، استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، یا گاه خشونت و جنایت کشانده است؛ یا آنان را به جست وجوی فلسفه ها، فرهنگ ها و حتی ادیان جدید واداشته است.

شش) افزایش سن ازدواج

در سال های اخیر، افزایش سن ازدواج بازتاب فردگرایی رایج در جامعه است. معنای جدیدی که عاملان به زندگی مشترک بخشیده اند، کشش به سوی ازدواج را کاهش داده است. توجه به آمارها می تواند بیانگر این تغییر باشد. طبق آمارهای موجود، سن ازدواج در این سال ها افزایش یافته است. همچنین، آمارها از افزایش طلاق و کاهش ازدواج حکایت دارد. بررسی نمودار نسبت طلاق به ازدواج نشان می دهد که این نسبت طی سه دهه گذشته ۲۸ درصد افزایش داشته است (ر.ک: اطلاعات آمار زنان و خانواده، ۱۳۸۹). این تغییر بیانگر تحول ارزش هایی است که پیش از این، ساختن و سوختن را در برابر طلاق تجویز می کرد. به تدریج، عاملان با تغییر توقعات خود از زندگی مشترک و رواج روحیه فردگرایی، طلاق را راهی برای بهتر زیستن برگزیدند و آن را از جایگاه مطرود پیشین خارج ساختند.

آمارهای موجود، بازتاب این تغییر ذهنیت است که در پی تغییر ساختارها پدید آمده و ظرفیت های جدیدی را پیش روی عاملان قرار داده است. ارزیابی تغییرات این شاخص طی سه دهه گذشته، خود دلیلی بر این ادعاست. در دهه شصت، میانگین سن ازدواج برای مردان کاهش یافت و برای زنان تقریباً ثابت ماند؛ در دهه هفتاد، این میانگین برای مردان و زنان افزایش داشت. از سال ۱۳۸۰ به بعد نیز میانگین سن ازدواج برای مردان تا حدودی ثابت ماند و برای زنان کاهش یافت. به طور خلاصه، می توان گفت میانگین سن ازدواج طی سه دهه گذشته، ۳٫۵ سال برای زنان و ۲٫۱ سال برای مردان افزایش داشته است (ر.ک: اطلاعات آمار زنان و خانواده، ۱۳۸۹). بررسی آمارهای موجود، حاکی از شکل گیری هنجارهای صریح

و ضمنی نوینی است که به طلاق و ازدواج معنای جدیدی بخشیده است. در معنای نوین این مفاهیم، اصل لذت، همکاری و دوستی متقابل، به تدریج از شاخص‌های بررسی سبک زندگی به عرصه عمومی راه می‌یابد (ر.ک: اطلاعات آمار زنان و خانواده، ۱۳۸۹).

هفت) روابط جنسی

شهوت و غریزه جنسی از ابعاد مهم زندگی انسان به شمار می‌رود؛ از این رو، نیاز به سبک در زندگی جنسی ضرورتی انکارناپذیر است. انسان بدون توجه به این ویژگی، نمی‌تواند زندگی موفق‌تری داشته باشد و بدون انتخاب و اتخاذ سبکی برای آن، نمی‌تواند راه سعادت و خوشبختی را بی‌پیماید. هر فرهنگ و تمدن، سبکی برای روابط جنسی ارائه می‌دهد. به دلیل استفاده از فاوا و شام، تحولی نیز در روابط جنسی بخشی از این نسل پدید آمده است. گرایش به روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، عدم پایبندی به چارچوب ازدواج و نیز صورت‌های گوناگون همباشی، شتابی روزافزون یافته و در نسل اخیر، هر روز بیش از پیش رواج پیدا کرده است. تنها ترس از بیماری‌های خطرناکی همچون ایدز، در دهه گذشته، توانسته است صرفاً تا حدودی رفتارهای جنسی خطرناکی را محدود کند که بر سراسر زندگی جوانان غلبه یافته و پیامدهای متعددی، از جمله بارداری‌های ناخواسته و روزافزون در سنین نوجوانی، به دنبال آورده است (ر.ک: نصر، ۱۳۷۴، ۳۳۳). اکنون نه تنها جوانان نسل فاوا و شام، بلکه حتی جوانانی که مدعی دین‌داری هستند نیز هر روز بیش از پیش در اخلاق جنسی سنتی تشکیک می‌کنند (ر.ک: همان، ۳۴۰).

هشت) پوشش

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، انقلاب اسلامی موجب دگرگونی در ساختارها و به تبع آن، در عاملان گردید. عاملانی که با ذهنیتی مستقل از دوران پهلوی و رویکردی مذهبی به جهان می‌نگریستند، در ساختارهای نوین با ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی مواجه شدند. اگر ساختار استبداد سیاسی، عاملان انقلابی را به نفرت از کنش‌های آن معطوف ساخت و بدین ترتیب، سیاستی همچون کشف حجاب مورد نفرت قرار گرفت، انقلاب اسلامی هنجارهای نوینی را بر اساس ارزش‌های مذهبی در زمینه پوشش پدید آورد. از سال ۱۳۵۸ به بعد، توصیه رهبران مذهبی به حجاب، ضرورت تعیین ضوابط قانونی برای مقابله با بی‌حجابی و انتظار جامعه مذهبی برای اصلاح وضعیت موجود، در عمومی شدن حجاب مؤثر بود (حوراء، ش ۲۳).

روند تغییر پوشش در سال های اخیر، بازتابی از تغییر هنجارهای ضمنی و دگرگونی بایدها و نبایدها به شمار می رود که در پی تحول ارزشی در جامعه رخ داده است. درواقع، نوع پوشش بازتابی از تغییر ساختاری جامعه و حاکم شدن معنای جدیدی است که عاملان به مدیریت بدن و زیبایی بخشیده اند. تغییر پوشش به ابزاری برای فخرفروشی یا مد روز بودن تبدیل شده است که تصویری منزلتی از خود ارائه می دهد. این امر، نمودی از حاکم شدن ارزش های جدید است که در مقطع آغازین انقلاب ضد ارزش شمرده می شد. تنوع پوشش ها حکایت از افزایش گرایش به فردگرایی و تقویت عاملیت در برابر ساختارها دارد؛ امری که گزینه انتخاب را در فرایند بازسازی که به نوعی نوسازی محسوب می شود، تقویت کرده است.

نه) ورزش

کشف تن و لذت آنی در سبک زندگی نسل فاوا و شام، جنبه دیگری نیز داشته است که گرچه خالی از مسائل و مشکلات خاص خود نبوده، در مجموع بسیار سالم تر و سودمندتر بوده است. این جنبه، تأکید بر انواع ورزش ها و تمرین های بدنی است. در این سبک زندگی، ورزش به چیزی شبیه مذهب بدل شده است؛ و هم زمان، مشارکت در ورزش ها نقشی اساسی در سلامت تن و حتی شخصیت افراد دارد و از جنبه های مثبت زندگی جدید به شمار می رود. با این حال، سودجویانه شدن، مبالغه و تبلیغ بیش از اندازه درباره آن، اهمیتی گزاف و بی معنا به ورزش بخشیده و آن را تقریباً به بدیلی برای برخی انواع فعالیت های دینی و سنتی تبدیل کرده است (ر.ک: نصر، ۱۳۷۴، ۳۴۱).

ده) اوقات فراغت

امروزه، نحوه گذران اوقات فراغت نسل فاوا و شام بیشتر رسانه ای^۱ و خانگی^۲ شده است. دو اصطلاح «رسانه ای شدن» و «خانگی شدن» توصیف کننده نحوه سپری شدن بخش عمده ای از اوقات فراغت نسل فاوا و شام در جوامع مدرن اند. جوانان اوقات فراغت خود را بیش از پیش در خلوت سپری می کنند و برای سرگرمی، به طور فزاینده ای به رسانه های جمعی جدید، فضاهای اجتماعی مجازی، اینترنت و ماهواره متکی هستند (ر.ک: ذکایی، ۱۳۸۶).

1. mediatiation

2. domestication

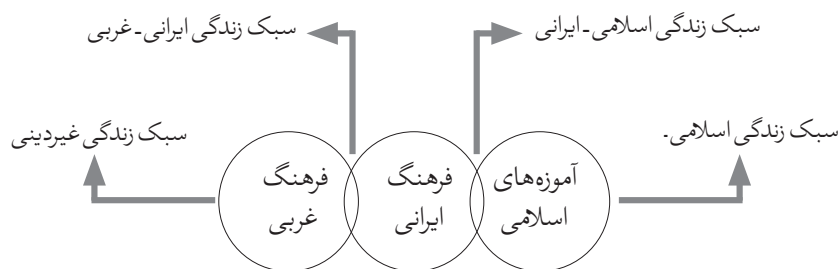
یازده) رسانه

از ویژگی‌های اساسی سبک زندگی نسل فاوا و شام، نفوذ رسانه‌های جمعی، فضاهای اجتماعی مجازی، اینترنت و ماهواره در زندگی این نسل است. رسانه‌های جمعی، فضاهای اجتماعی مجازی، اینترنت و ماهواره، قهرمانانی فرهنگی تولید می‌کنند و دیدگاه مردم را دربارهٔ امور و مسائل سیاسی، اجتماعی و حتی واقعیت، در جهات مورد نظر خود شکل می‌دهند. این وسایل ارتباطی به پیشگامان ارائه الگوهای سبک زندگی تبدیل شده‌اند و سبک زندگی برآمده از نگاه این وسایل، جایگزین نگاه دینی به زندگی شده است. سبک زندگی رسانه‌ای بیش از اندازه به ظواهر، مانند نحوهٔ راه رفتن، سخن گفتن، پوشیدن، خوردن و مانند آن، توجه دارد؛ از این رو، ارزش‌های این نسل از تنوع و تکثر رسانه‌ها تأثیر پذیرفته و متکثر شده است. فضای مجازی و فرهنگ رسانه‌ای، به عنوان گروه‌های مرجع، بر ارزش‌های این نسل اثر می‌گذارند. رسانه‌ها به طور مستقیم افق‌ها و اولویت‌های متفاوتی را در معرض دید نسل فاوا و شام قرار می‌دهند. همچنین، با توجه به تنوع گروه‌های مرجع، می‌توان از کاهش اتکای این نسل به الگوهای پیشین، یعنی الگوهای نقشی که پیش‌تر تعیین‌کننده بودند، سخن گفت.

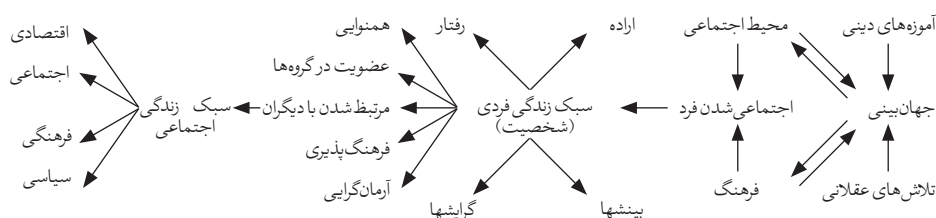
به نظر می‌رسد هدف سبک زندگی برآمده از فاوا و شام آن است که به مدد رسانه‌ها، از همهٔ امکانات موجود در نظم کنونی بشر نهایت استفاده را ببرد. بیشتر این تحولات، در شکل لباس‌ها، اطوار و رفتارها، اشکال گوناگون موسیقی و دیگر هنرها، از مراتب فرودین مایه می‌گیرد (ر.ک: نصر، ۱۳۷۴، ۳۴۶).

نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد تبیین این مسئله بود که چرا در جامعه‌ای مانند ایران، سبک‌های زندگی متعدد و متفاوتی وجود دارد؛ به‌ویژه دربارهٔ سبک زندگی اسلامی که خاستگاهی وحیانی دارد. بررسی مسئله بر اساس پیوند عاملیت و ساختار نشان داد که غلبهٔ هر یک از عاملیت یا ساختار در یک دورهٔ تاریخی یا در میان یک شبکهٔ مردمی و اجتماعی، عامل تعدد سبک‌های زندگی در آن جامعه است. در خصوص جامعهٔ ایران، تعدد سبک‌های زندگی با دو عامل پیوند دارد: نخست، تلاقی فرهنگ‌هایی که در جامعهٔ ایران اسلامی حضور دارند؛ ایران اسلامی محل تلاقی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی است و این امر یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری سبک‌های گوناگون زندگی به شمار می‌رود.



عامل دیگر، غلبه یکی از شرایط زمینه‌ای در یک دوره تاریخی یا در میان یک گروه یا شبکه اجتماعی است؛ شرایطی که از شخصیت عاملان، تاریخ و محیط جغرافیایی جامعه تا ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، آرمان‌های اجتماعی و مهم‌تر از همه، ساختارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی مجازی را دربر می‌گیرد.



تأثیر شرایط زمینه‌ای بر شکل‌گیری سبک زندگی تا حدودی بررسی و تأیید شده است؛ اما با توجه به تأثیرپذیری سبک زندگی از تحولات فناوری مدرن، این موضوع باید در پژوهش‌های مربوط به سبک زندگی خانوادگی با جزئیات بیشتری بررسی شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر قابل توجهی بر زندگی عاملان، اعم از کاربران و غیرکاربران، دارد. از سوی دیگر، در دهه گذشته تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی، آشکار و انکارناپذیر بوده است.

با این حال، در هر جامعه‌ای لازم است برای شناخت پدیده‌های نوین، پژوهش‌هایی با هدف توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کشف فرایندهای آینده آن‌ها برنامه‌ریزی شود. در غیر این صورت، کارکردهای مثبت، منفی، آشکار و پنهان این پدیده‌های نوظهور و نیز پیامدها و آسیب‌های احتمالی آن‌ها، جامعه را با چالش‌هایی مواجه خواهد ساخت. از این رو، انجام چنین پژوهش‌هایی برای کنترل پیامدها و آسیب‌های ناخواسته شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی و نیز شناسایی راهکارهای کنترلی، اهمیت بسزایی دارد.

با توجه به اهمیت مسئله، بار دیگر بر ضرورت انجام پژوهش‌هایی تأکید می‌شود که به حفظ سبک زندگی اسلامی-ایرانی کمک می‌کنند. برای نمونه، غلبه هر یک از شرایط زمینه‌ای در جامعه، پیامدها و تبعاتی از جمله شکل‌گیری سبک‌های جدید زندگی را به دنبال دارد؛ سبک‌هایی که می‌توانند برای جامعه و افراد آن سودمند یا زیان‌بار باشند. افزون بر این، گسترش سبک‌های نوین زندگی و هدف‌گذاری برای تضعیف یا از میان بردن سبک زندگی اسلامی-ایرانی، ضرورت انجام پژوهش در حوزه فناوری‌های ارتباطی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی را آشکار می‌سازد.

به‌طور خلاصه، شرایط تاریخی و طبیعی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، فرهنگ وارداتی، آرمان‌ها، توسعه جهانی فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلفن‌های همراه، به‌ویژه در دو دهه اخیر، دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی را در سطوح مختلف سبک زندگی اسلامی-ایرانی پدید آورده‌اند که به تنوع و تعدد سبک‌های زندگی انجامیده است.

منابع

۱. بختیاری، آمنه و نصیری، بهاره (۱۳۹۵). «واکاوی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی خانواده ایرانی (با تأکید بر مخاطرات و آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی)». مدیریت شهری و روستایی، شماره ۴۵، صص. ۴۶۵-۴۷۸.
۲. بوردیو، پیر (۱۳۸۹). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. چاپ سوم. تهران: انتشارات نقش و نگار.
۳. پارکر، جان (۱۳۸۵). ساخت‌یابی. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
۴. پورداد، ابراهیم (۱۴۰۱). فرهنگ ایران باستان. چاپ سوم. تهران: انتشارات اساطیر.
۵. حوراء (۱۳۸۵). نظام اسلامی و مسئله پوشش زنان. شماره ۲۳.
۶. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جوانان ایران. تهران: آگاه.
۷. الصدر، السید محمدباقر (۱۴۲۱ق). المدرسة القرآنية. قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۸. دل، یان، و هک، تونی. (۱۳۹۰). روش‌شناسی مطالعه موردی در پژوهش‌های مدیریت: آزمون نظریه و نظریه‌پردازی (حسن دانایی‌فرد، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۹. گیتی‌پسند، زهرا، فرحبخش، کیومرث، اسمعیلی، معصومه و ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های معنای زندگی در زوجین متقاضی طلاق». فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، صص. ۵۰-۹۹.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید). ترجمه ناصر موفقیان. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.

۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسین چاوشیان. تهران: نشر نی.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۹). اطلاعات آمار زنان و خانواده. در: <https://www.amar.org.ir>
۱۳. نصر، حسین (۱۳۷۴). جوان مسلمان و دنیای متجدد. ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: طرح نو.
۱۴. نصر، سیدحسین (۱۳۸۱). اسلام و تنگناهای انسان متجدد. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
15. Albrechtsen, S. J. (2001). Technology and lifestyle: Challenges for leisure education in the millennium. *World Leisure*, 43(1), 11–19.
16. Barnett, E., & Casper, M. (2001). "A definition of social environment." *American Journal of Public Health*, 91(3), 465.
17. Chesley, N. (2006). "Families in a high-tech age: Technology usage patterns, work and family correlates, and gender." *Journal of Family Issues*, 27, 587–608.
18. Cockerham, W. C., Rutten, A., & Abel, T. (1997). "Conceptualizing contemporary health lifestyles: Moving beyond Weber." *The Sociological Quarterly*, 38(2), 321–342.
19. Kavanaugh, A. L., & Patterson, S. J. (2001). "The impact of community computer networks on social capital and community involvement." *American Behavioral Scientist*, 45, 496–509.
20. Kautiainen, S., Koivusilta, L., Lintonen, T., Virtanen, S. M., & Rimpelä, A. (2005). "Use of information and communication technology and prevalence of overweight and obesity among adolescents." *International Journal of Obesity*, 29, 925–933.
21. Horst, H. A. (2010). *Hanging Out, Messing Around, and Geeking Out*. Cambridge, MA: MIT Press, pp. 29–79.
22. Lenhart, A., Madden, M., & Hitlin, P. (2005). *Teens and Technology: Youth Are Leading the Transition to a Fully Wired and Mobile Nation*. Washington, DC: Pew Internet & American Life Project.
23. Liddon, N. C. (2000). *Green Snake Bitten: Drinking, Health Lifestyles, Social Structure and Health in Post-Soviet Russia* (Ph.D. dissertation). The University of Alabama at Birmingham.
24. Turkle, S. (2011). *Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other*. New York: Basic Books.
25. Whitty, M. T. (2002). "Liar, liar! An examination of how open, supportive and honest people are in chat rooms." *Computers in Human Behavior*, 18, 343–352.